

هُوَ اللهُ - ای دو کنیز عزیز جمال مبارک، این چه گمانست...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



هُوَ اللهُ

ای دو کنیز عزیز جمال مبارک، این چه گمانست و این چه تصوّر محال زیرا چنانکه نگاشتی کسی گوش بآن اذکار نداد و بخرج نفسی از ابرار نرفت. اما کنیزان اسم اعظم مقرب درگاه جمال قدمند و معزز و محترم. عبدالبهاء آنانرا خواهران و دختران خویش شمرد و ذوی القربی و خویش شناسد. هر دم بیادشان افتد و از ملکوت عزّت طلب موهبت نماید. آنچه از پیش مرقوم مزاح بود و مطایبه شوخی بود و مضاحکه لهذا یقین نمائید که در ملکوت نور مبین ساحت اقدس ربّ کریم مذکورید و مشهور مقبولید و مشهود. و رقات منجذبه لسانی فصیح دارند و بیانی ملیح رانند و برهانی بلیغ دانند. ترتیل آیات کنند و تلاوت مناجات نمایند و نساء غافلات را هدایت فرمایند. هر یک جام سرشارند و سراج ایوانند و مشکاة انوارند و شجره حدیقه رحمان چگونه از خاطر روند و فراموش گردند سبحانک هذا بهتان عظیم. باری باید از این گمان توبه نمائید و باستغفار پردازید زیرا عبدالبهاء روزها و شبها صبحها و شامها بذکریاران و اماء رحمان مسرور و شادمانست. فراغت محال تا چه رسد بفراموشی و نسیان الآن توجه بعتبه حضرت رحمان نمودم و از برای اماء رحمان نصرت و عنایت طلبیدم بالطبع شامل شما نیز خواهد بود. پس گلبانگ سرور زنید و آهنگ حبور برافزاید و بعود و رود پردازید و سرودی در نهایت وجد و طرب بنوازید تا معتکفان صوامع ملکوت بوجد و سرور آیند و منزویان خلوتگاه ربّ الجبروت پرده براندازند و بصرای شهود بشتابند و علیکما البهء الأبهی ع



ORIGINAL



AUDIO